

به وقت شله
مهدی محمدی

رونالدو و کارواخال در کوهسنگی!

قرار شده است تا برای اولین بار در چند پارک از پارک‌های مشهد مسابقات جام جهانی در نمایشگرهای بزرگ پخش شود. در ادامه اظهار نظر تنی چند از کاربران همیشه در صفحه را در رابطه با این خبر نقل خواهیم کرد.

ای بابا! چرا الکی دارید پارک‌ها را شلوغ می‌کنید؟ وقتی پارک شلوغ می‌شه، مشتری‌ها نمی‌تونن راحت من را پیدا کنند تا به اون‌ها جنس بدم. اون‌ها هم که بدون سوخت نمی‌تونن وارد فضا بشن. از مسئولان خواهش مندم بی‌خیال این قضیه بشوند. ممنون!

چرا فقط می‌خواهید مسابقات جام جهانی را نمایش دهید؟ به جای این کارها، بیایید برنامه‌های جذاب و متنوع شبکه چهار را پخش کنید. از پیچی آرزو داشته برنامه‌های این شبکه را تو ایسن تلویزیون بزرگ‌ها ببینیم.

راسته می‌گن تو پارک‌ها مسابقات فوتبال بدون سانسور پخش می‌شه؟

من یک پدر هستم و توی خانه کنترل تلویزیون همیشه دست من است. امیدوارم کنترل تلویزیون پارک را هم دست من بدهند، ضمناً از آنجا که بازی ایران مقابل برتقال و اسپانیا، رأس ساعت ۱۰:۳۰ شب، هم‌زمان با اخبار شبکه دو، برگزار می‌شود می‌خواهم با کنترل تلویزیون پارک، بزمن شبکه دو، اخبار ببینم. گفتم که در جریان باشید.

می‌خواهید توی پارک‌ها فوتبال نمایش دهید؟ حالا که این طور است از این به بعد علاوه بر ورزشگاه‌ها، بانوان را به پارک‌ها هم راه ندهید.

ما که هر وقت ورزشگاه می‌رفتیم، نان‌جک، فشفشه، ترقه، سنگ و بطری آب معدنی و انواع تسلیحات گرم و سرد هم جهت تشویق تیم مورد علاقه خودمان می‌بردیم. آیا توی پارک هم می‌تونیم این تجهیزات ضروری را با خودمان ببریم.

آخ جون از این به بعد اگر بایام ساعت یک نصفه شب از من پرسید: تا این وقت شب کجا بودی؟ بهش می‌گم رفته بودم توی فضای سالم فوتبال ببینم.

طنزیم پیامکی:

به سلامت مردم می‌اندیشیم

۰۹۳۶۰۰۰۴۱۳ ایستگاه اتوبوس طبرسی شمالی ۶، نیمیکت یا مسایبان ندارد. حتی برای سوار اتوبوس شدن باید از روی جوی بزرگی بپریم. لطفا حداقل جوی جلو ایستگاه را بپوشانید تا زن و بچه مردم بتوانند سوار اتوبوس به اصطلاح بی‌آرتی شوند.

بر اساس بررسی‌های کارشناسان ماه این روزها اکثر افراد از کمبود ویتامین دی رنج می‌برند، به همین دلیل تصمیم گرفته شد در اقدامی هوشمندانه مسایبان‌های برخی ایستگاه‌ها برداشته شود تا مردم راحت‌تر بتوانند اقدام به جذب ویتامین دی کنند. از طرف دیگر، این روزها بسیاری از مردم از فقر حرکتی رنج می‌برند، به همین دلیل برای ایستگاه مذکور نیمیکت نیز گذاشته نشده است تا شما با پیاده‌روی و قدم‌زدن اقدام به سوزاندن مقدار بیشتری کالری کنید و سالم‌تر زندگی کنید و برای همین تحرک بیشتر است که جوی بزرگی تعبیه شده است تا برای رسیدن به ایستگاه از روی آن بپرید. چه بسا با همین پرش‌ها شما به استعدادهای خود در جهیدن بی‌برید و روزی به تیم ملی پرش نیز دعوت شوید و افتخار آفرینی کنید.

۰۹۱۵۰۰۷۷۳ چاردرام خمینی ۵۴ شرکت برق ۱۲ روز پیش اقدام به کندن آسفالت خیابان کرده و بعد از اتمام کار خیابان را آسفالت نکرده است؟ شهرداری منطقه ۸ پیگیری کند.

شاید برخی تعجب کنند که چرا اداره برق آسفالت را کنده و ما از شهرداری پیگیری قضیه هستیم. کلاً همه چی به همه چی ربط دارد. ما خودمان چند وقت پیش زباله‌هایمان را دیر از دیر از منازل جمع کردند، زنگ زدیم اداره برق گفتیم این‌ها را برید برق تولید کنید.



علیرضا پاکدل

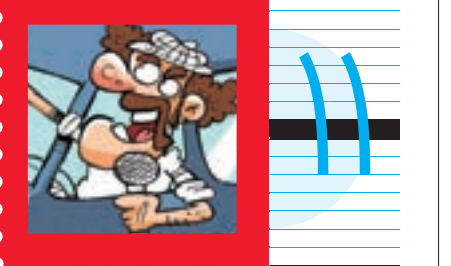
سکه به مرز دو میلیون و پانصد هزار تومان رسید

بدون کنکور؟ مگه داریم، مگه میشه!؟

از کنار همین کنکور دارند نان می‌خورند. حالا از تولیدکنندگان کیک و آبمیوه‌جسالت که بگذریم، یک عده‌ای ابداع‌کنندگان روش‌های تست‌زنی بدون درد هستند و تضمین می‌کنند شما بدون کنکور هم باشیم. علت دیگرش این است که آقای نژادعلی ناراحت می‌شود. مدتی بود شما هر کتالی را باز می‌کردی آقای نژادعلی به شما سلام می‌کرد و می‌گفت من عربی را صددرصد زده‌ام. اگر شما هم می‌خواهید عربی را صددرصد بزنید، زود توی کانال جویین شوید. بدویید بدویید تا پاک نکرده‌ام. مسئولان عزیز آقای نژادعلی عربی را صد زده که شما به این راحتی کنکور را بخارید. مسئولان جدید شما دیر آمده‌اید. نخواهید زود بروید. به این هم توجه کنید که عده زیادی

همان‌طور که اطلاع دارید سال‌هاست عده‌ای می‌خواهند کنکور را بردارند اما همچنان این کنکور است که دارد ما را برمی‌دارد. یعنی ما از وقتی یادمان می‌آید یک روز در میان هر مسئولی می‌رسیده و مشکلات کنکور را می‌دیده، می‌گفته است: «پس من یک کنکور برداشتم». اخیراً هم رئیس کمیسیون آموزش مجلس گفته است ۹۷ آخرین سال برگزاری کنکور است که باید بگوییم: «آره ما هم باورمون شد!». اما واقعاً چرا کنکور برداشته نمی‌شود؟ ما بررسی کردیم دیدیم چند علت مهم دارد که با هم مرورشان می‌کنیم. ببینید مهم‌ترین موردش این است که اگر کنکور را برداریم آقای توکلی افسردگی می‌گیرد و معضل جدی این است

محمدعلی محمدباقر



کله ونگ اشکته نیبیم «نیمار»



بیره تو که ایقذه دل نازک نبودی «نیمار» جان، اشکته نیبیم قناری! همی عسکیتو تو برنامه تلفی‌زیونی بزریل دیدم. دمشا گرم، طلاین بخدا. قایمکی یگ اتافی مته وختی خردو بودی ریدیف کردن و مرفستن پری تو. تویم غافلگیر رفتی و نوستالوژیت زد بالا و هموجو آبغوره گیرفتی... ننه و ابچی تم که آمدن دگه جانی مشتیا دلم کباب رفت!

از مو مشتی یگ وختی ای عسکیتو تو اینستا نگذری، بیره که «زوله» میخه مسقره بزی در بیره، به همی کلای سویشرت و لاله گوش که تو عسکت دیده مره گیر مده، واز مگن «زاده گویی» رفته و فلان و پشمندان و یگ داستانی درست مره که دگه جم نمره!

یاد او قیدیم افتادم با ممد و میتی چمبه آخر میلان خط بزی و توشله بزی می‌کردم. یگ وختایی هم مرفتم بالا درخت توت همسیده و ایقذه مخوردم که پوده می‌کردم و دستام آلفش مرفت! با سسرپایی دنبال زنبور گاوی و مورچه گاوی می‌کردم، پشست دیفال قایم مرفتم و با پلخمون شیشه یا ره مزدم، زیرلنگی منداختم و از چچه ننه‌یای محل ناخن چله می‌کندم! بیره آنتیش مسزوندیم! وختیم گل کوچیک گل منداختی دگه هموجو به بچه‌های میلان بالایی که موس موس مکردن لایی منداختی و حسایی خنکشا می‌کردی. ولی معدرت، خدا وکیل بر خودت خوب مار موسی بودیا، تا حواسم فرت مرفت جیر دو بزی می‌کردی! حالا بین خودما پشه، تو سه‌سه‌س قطره عمره به گرد پای مو هم نمریسی!

دداش به نظر مو که کار خوبی نکردی پشست مویا ره زدی، بیره ایقذه الان کفتری خفنگ رفته، همو پشست مویا ره دو تا پله می‌کردی و یگ دو لاک توک کاکل ره هم پیریشون می‌کردی، آلفضلی اگه آخر جام جهانی کش طلاه پدت نمدان، مودگه مشتیا نبودم!

نگا چی پدت مگم، بیره که «احسان علیخانی» قیضیه اشک ره پشتنه، دگه داستان مره ها! کیلید مگنه که همی داستان ره سر مهمونا ماه غسل شا در بیره، اونایی که بر فسته تو اتاق و گریه‌شا نیگیره، با یگ تر که دنبال سرشا مگنه و ایقذه مزنه‌شا که سیا و کبود برن و قد یگ استلخ آبغوره بیگیرن!

سودوکو

شماره ۷۶۳ (آسان) پاسخ شماره ۷۶۳ (آسان)

۵	۴	۷	۳	۸	۲
۶		۸	۴	۹	
		۶	۵		۹
۸		۱	۶		۶
۷			۹	۲	
۲			۵		۴
۴	۳	۹	۱	۶	۵
۵	۶	۱	۴	۲	۷
۵	۴	۷	۳	۸	۲

شماره ۷۶۳ (سخت) پاسخ شماره ۷۶۳ (سخت)

۷	۱		۳	۲	
	۳	۹	۲		
		۵			۳
۴	۸	۶	۵	۲	
	۵		۸		
			۴	۷	۲
۶	۲		۵	۸	

گنجینه

تاقیل از ظهیر مامی نشستیم زیر درخت هم‌سایه و بعد از ظهرها هم‌سایه‌های نشستند زیر درخت ما. صبح‌ها سایه‌های افتاد تو خانه آن‌ها و بعد از ظهرها سایه‌های افتاد تو خانه ما.

رهش/رضا امیرخانی

اگر روزم پریشان شد فدای تاری از زلفش که هر شب با خیالش خواب‌های دیگری دارم

مهدی اخوان ثالث

رهش/رضا امیرخانی